

دایره‌المعارف قرآن در گفت‌وگو با مهرداد عباسی

رویکرد آکادمیک با نگاهی همدلانه

در دهه‌های اخیر رویکرد همدلانه غربیان در مطالعات اسلامی به رویکردی عمومی در تحقیقات آنها تبدیل شده است



مهرداد عباسی

عضو هیات علمی گروه فلسفه و کلام دانشنامه جهان اسلام و همچنین مدرس دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات تهران است. وی که یکی از ویراستاران فارسی دایره‌المعارف است، در این گفت‌وگو درباره جایگاه دایره‌المعارف‌نویسی اسلامی در مغرب زمین و همچنین رویکرد ویراستاران دایره‌المعارف قرآن توضیحات مبسوطی داده است. شایان ذکر است دکتر عباسی گفت‌وگوی مفصل دیگری نیز در مورد قرآن‌پژوهی در غرب با مهرنامه انجام داده است که تا کنون منتشر نشده است.

■ به عنوان نخستین پرسش بفرمایید که به نظر شما چرا تا کنون در زبان فارسی و در جامعه علمی ایران توان یا فرصت تدوین دانشنامه‌ای در باب قرآن فراهم نشده است؟ چنین نیست که تا کنون کاری انجام نشده باشد، از جمله اینکه در حال حاضر مجموعه‌ای با نام دایره‌المعارف قرآن کریم در قم در حال تدوین و انتشار است که تاکنون بیش از ده جلد آن به چاپ رسیده است، یا مثلاً در دهه هفتاد دانشنامه قرآن و قرآن‌پژوهی به‌همت جناب خرمشاهی در دو جلد قطور به چاپ رسید که استقبال خوبی هم از آن شد. هرچند به نظر من هر دوی این آثار با یک اثر دایره‌المعارفی و مرجع معیار فاصله دارند. اما اجازه دهید نکاتی کلی را عرض کنم که هم اصل موضوع کمی روشن‌تر شود و هم به‌نوعی پاسخی برای این پرسش خوب و البته اساسی شما باشد. در جامعه علمی ما گاهی تصور و تعریف روشنی از پدیده‌ای به نام دایره‌المعارف و در نتیجه فرآیند دایره‌المعارف‌نویسی وجود ندارد. درست است که ما در تاریخ تمدن اسلامی و ایرانی آثاری دایره‌المعارف‌گونه داشته‌ایم و به‌درستی به آنها می‌بالیم، اما آنچه امروزه با نام «دایره‌المعارف» و «دانشنامه» و نظایر آنها شناخته می‌شود پدیده‌ای مدرن است و خاستگاهی غربی دارد. به عبارتی، در گونه‌ها و شکل‌های مختلف آثار منتشر شده مکتوب در دنیای جدید محصولی

مکتوب به نام «دایره‌المعارف» (انسیکلوپدیا) وجود دارد که با دست‌نامه (هندبوک) و کتاب‌راهنما (کامپنین) و مقاله پژوهشی و مقاله مروری و نظایر آنها متفاوت است و هر یک از اینها تعریف و ویژگی‌هایی مخصوص به خود دارد. در سنت غربی، زمانی نیاز به تدوین و انتشار یک دایره‌المعارف احساس می‌شود که مجموعه‌ای از پژوهش‌ها درباره موضوعات مختلف یک رشته یا حوزه پژوهشی مهم شکل گرفته باشد و وقت آن رسیده باشد که تصویری تمام‌نما از آن پژوهش‌ها به محققان و علاقه‌مندان ارائه شود. اصولاً در عهده دایره‌المعارف‌های ما وضعیت چنین نیست که مؤلف در تألیف یک مدخل با پژوهش‌های متعدد پیشین مواجه باشد تا بخواهد مروری بر آنها را در قالب مدخلی دایره‌المعارفی ارائه کند، بلکه گاهی برای مدخلی که قرار است نوشته شود هیچ سابقه‌ای به زبان فارسی در پژوهش‌های جدید وجود ندارد. در نتیجه، مدخل‌نویس باید خود به پژوهشی جدید اقدام کند که بسیار زمانبر است، یا اینکه ناگزیر باید به منابع مرجع غربی مراجعه کند و احتمالاً با الهام از مدخل‌های مشابه در آنها کاری تکراری و غیراصیل ارائه کند. اگر بخواهم کمی خودمانی حرف بزنم، باید بگویم که ما، به‌رغم علاقه زیادی که نشان می‌دهیم، در برخی حوزه‌های پژوهشی «درسمان هنوز به دایره‌المعارف‌نویسی نرسیده» اما از سویی هم نگرانیم که از کاروان دایره‌المعارف‌نویسی جا بمانیم. شما می‌بینید که در سنت غربی پژوهش‌های قرآنی به شکل نوین و آکادمیک بیش از یک‌صدسال سابقه دارد و تازه ده سال است که آنها به فکر دایره‌المعارف‌نویسی افتاده‌اند و بسیاری از مدخل‌های این دایره‌المعارف را کسانی نوشته‌اند که در زمینه مدخل موردنظر پیش‌تر پژوهش کرده‌اند و کتاب یا مقاله نوشته‌اند یا دست‌کم در متن ادبیات آن حوزه قرار دارند.

ضمن اینکه فرآیند دایره‌المعارف‌نویسی و تلقی از دایره‌المعارف نیز در یکی دو دهه اخیر شکل تازه‌ای به خود گرفته است. ببینید در سال ۱۹۹۳ نطفه این دایره‌المعارف بسته شد، هشت سال بعد جلد نخست آن در ۲۰۰۱ منتشر شده و در ۲۰۰۶ هم جلد ششم و نمایه آن چاپ شده و کل پروژه به اتمام رسیده است. همین چند ماه پیش هم سرویراستار مجموعه

اعلام کرده که پروژه مجلد یا مجلدات تکمله آن آغاز شده و در آینده نزدیک منتشر خواهد شد. در واقع، می‌خواهم بگویم برای انتشار دایره‌المعارف در دنیای جدیدی که ویکی‌پدیا و انواع دایره‌المعارف‌های آن‌لاین در دسترس همگان قرار دارد باید به این شکل عمل کرد و راه دیگری نیست. هرچند برای این منظور بی‌شک باید تصور دقیقی از مخاطبان، محتوای مدخل‌ها و هویت مؤلفان داشت و البته دغدغه مسائل فنی و اقتصادی هم نداشت. همانطور که امروزه دیگر کسی، برخلاف گذشته، ادعای همه‌چیزدانی و همه‌فن‌حریفی ندارد و اگر داشته باشد باید در دانش او تردید کرد، از آثار مکتوب هم نباید چنین توقعی داشت و اصولاً نباید به دنبال تدوین آثاری جامع‌جمع جهات بود.

■ جریان آشنایی شما با دایره‌المعارف قرآن و تصمیمی که برای ترجمه آن گرفته شد به چه زمانی باز می‌گردد و مراحل اصلی کار به چه نحو قابل تبیین است؟

سال‌هاست با دانشنامه جهان اسلام همکاری می‌کنم و کارم اقتضا می‌کند که دایره‌المعارف‌های منتشرشده در حوزه دین اسلام را پیگیری کنم. دقیقاً ده سال پیش بود که به‌لطف کتابخانه بنیاد دایره‌المعارف اسلامی دو جلد نخست دایره‌المعارف قرآن به دستم رسید و با تورق اجمالی آنها و مطالعه برخی مدخل‌ها متوجه شدم که اثری مرجع و جدی در حوزه مطالعات قرآنی در حال انتشار است. از میان مدخل‌های این دو جلد مدخل «تفسیر قرآن در دوره جدید» را بسیار پسندیدم و حاوی نکاتی مفید و بدیع یافتم. این مقاله به قلم خانم پروفیسور تراود ویلانت استاد دانشگاه بامبرگ آلمان است که پیش‌تر در ۱۹۷۰ میلادی رساله دکتری‌اش را درباره رابطه وحی و تاریخ در اندیشه مسلمانان متجدد نوشته بود. همان زمان تصمیم به ترجمه این مقاله گرفتم که حاصل آن در اوایل سال ۱۳۸۳ در نشریه آینه پژوهش به چاپ رسید. تا جایی که من اطلاع دارم، تا آن زمان هنوز مقاله‌ای از این دایره‌المعارف ترجمه نشده بود و فقط معرفی‌های کوتاهی از آن جسته و گریخته انتشار یافته بود. ترجمه آن مقاله با اقبال و تحسین‌هایی مواجه شد و علاوه بر این، انتشار منظم جلد‌های بعدی این دایره‌المعارف و بیشتر شناخته‌شدن آن

در میان دست‌اندرکاران مطالعات اسلامی در ایران ایده ترجمه کل دایره‌المعارف را به ذهن من و برخی دوستان متبادر کرد. اواخر سال ۱۳۸۵ بود که پیشنهاد ترجمه دایره‌المعارف با مسوولان انتشارات حکمت مطرح شد که آنها هم بسیار استقبال کردند. پس از مدت کوتاهی گروه «برنامه‌ریزی و تدوین» شامل بنده و سه‌تن از دوستان (که نامشان روی جلد آمده) شکل گرفت که وظیفه عمده آن تدوین مدخل‌نامه فارسی، سیاست‌گذاری برای تهیه شیوه‌نامه ترجمه و ویرایش مقاله‌ها و همچنین تعیین مترجمان و مشاوران بود. پس از برگزاری جلسات متعدد و تدوین مدخل‌نامه (شامل حدود هفتصد مدخل کوتاه و بلند) و تهیه شیوه‌نامه‌هایی برای کار ترجمه و ویرایش علمی به‌تدریج کار سفارش مقاله‌ها به مترجمان آغاز شد که عموماً از افراد تحصیلکرده و شاغل و شناخته‌شده در حوزه مطالعات اسلامی‌اند. پس از دریافت ترجمه مدخل‌های جلد نخست نوبت مقابله و ویراستاری مدخل‌ها بود که این کار را هم همان گروه «برنامه‌ریزی و تدوین» بر عهده گرفت، به این ترتیب که همه مقاله‌ها از نگاه چهار نفر عضو گروه ویراستاری گذشته است. این گروه ضمن مقابله ترجمه‌ها با متن اصلی انگلیسی، متن فارسی را از حیث رعایت نکات محتوایی و تخصصی در مطالعات اسلامی و نیز معیارهای دایره‌المعارف‌نویسی در زبان فارسی بررسی کرده‌اند و تغییراتی زبانی و فنی در آن اعمال کرده‌اند.

■ جایگاه این دایره‌المعارف در قرآن‌پژوهی غربی چگونه است؟ در مورد جین دمن مک اولیاف به عنوان سرویراستار و گروه ارشد ویراستاری این دایره‌المعارف نیز توضیحاتی ارائه دهید.

در دو سه دهه اخیر مطالعات قرآنی در غرب، خود به شکل رشته‌ای مستقل درآمده و با سرعت و حجمی فزاینده در حال انجام و انتشار است. برخی مؤسسات بزرگ و شناخته‌شده انتشاراتی در اروپا و آمریکا مجموعه‌ای را به مطالعات قرآنی اختصاص داده‌اند و برخی از آنها کتاب‌راهنما یا به‌اصطلاح کامپنین برای قرآن منتشر کرده‌اند. اما دایره‌المعارفی ویژه قرآن با این حجم و کیفیت علمی برای نخستین بار است که در غرب عالم منتشر می‌شود. این دایره‌المعارف را مؤسسه انتشارات بریل واقع در شهر لیدن هلند منتشر کرده که سابقه‌ای

اثر بازتاب دهند و از جمله در بخش منابع از همه آثار شاخص در حوزه مطالعات اسلامی و قرآنی یاد کنند.

نکته دیگری که برای روشن تر شدن پاسخ این سؤال مایلیم عرض کنم این است که اسلام پژوهی و قرآن پژوهی در غرب - جز اینکه از یکسو پای در مطالعات ادیان دارد و می توان از این جنبه درباره رویکرد آن پرسید - با دپارتمان های مطالعات سیاسی و اجتماعی هم در ارتباط است و از این جنبه هم بدان می توان نگریست. به عبارتی در تعیین رهیافت و رویکرد دایره المعارفی با موضوع اسلام و قرآن چه مسائلی از این قبیل نیز دخیل و قابل بحث باشند. اما اجازه دهید من به طور کلی عرض کنم که رهیافت کلی حاکم بر این اثر که در جای جای آن پیداست و هم در مقدمه بدان تصریح شده و هم می توان از انتخاب مؤلفان و محتوای مدخل ها آن را استنباط کرد عبارت است از رویکرد آکادمیک و محققانه با نگاهی همدلانه و دوستانه. رویکرد همدلانه غربیان در مطالعات اسلامی البته ویژه این دایره المعارف نیست و در دهه های اخیر به رویکردی عمومی در تحقیقات آنها تبدیل شده است، هر چند هیچ مدعیای مطلق نیست و حتی در موارد و مصادیق مختلف در جرات مختلفی از این وضعیت قابل مشاهده است.

در مورد خصوصیات بارز این دایره المعارف که لزوم برگردان آن به زبان فارسی را برای شما طرح کرد، به چه نکاتی می توانید اشاره کنید؟ اول بگویم که در حوزه مطالعات قرآنی - برخلاف برخی رشته ها - با دایره المعارف های متعدد مواجه نیستیم و ما در مقام مقایسه و انتخاب نبوده ایم که مثلاً این دایره المعارف را از میان چند اثر مرجع مشابه برای ترجمه برگزیده باشیم. مطالعات قرآنی به مثابه یک زمینه پژوهشی میان رشته ای متمایز عمر چندانی ندارد و به همین سبب دست کم در سنت غربی تا کنون همین یک دایره المعارف به بازار نشر عرضه شده است. با این همه، این دایره المعارف فی نفسه اثری ارزشمند و شایان توجه است و به سادگی می توان ویژگی های شاخص آن را برشمرد: نخست اینکه ویراستاران و نویسندگان این اثر همگی در زمینه پژوهشی خودشان سرآمد و شناخته شده اند. دوم اینکه مدخل های آن به نحوی قابل قبول مفاهیم و اصطلاحات قرآنی و مهم ترین موضوعات و مسائل جاری در مطالعات قرآنی را دربر گرفته است. سوم اینکه در کتابشناسی مقالات این دایره المعارف علاوه بر آثار کلاسیک اسلامی پژوهش های مهم غربیان از همان مراحل نخستین تا همین سال های اخیر معرفی شده است. اما به طور خلاصه به گمان من این دایره المعارف از همه جنبه های مختلف شکلی و صوری و ساختاری و محتوایی دست کم نمره قبولی می گیرد و در برخی جنبه ها نمره عالی را می توان به آن داد. من منکر نواقص و کاستی های این دایره المعارف نیستیم، چنانکه در خود سنت غربی به اندازه کافی در مقالات مروری و

رهیافت پدیدارشناسانه. مثلاً معروف است که دایره المعارف دین ویراسته میرچا الیاده با رهیافت دوم تدوین شده است و اصولاً در آن به رهیافت دیگر چندان توجهی نشده چون از نظر پدیدارشناسان این اثر آن رهیافت دیگر به هر دلیلی چندان مقبول و قابل دفاع نیست. درست است که درباره مطالعات قرآنی نتوان با دست کم فعلاً نتوان از این گونه مرزبندی ها و تفکیک های شناخته شده و جافتاده سخن گفت. با این حال، درباره این دایره المعارف نیز - که می توان آن را بازتابی و چکیده ای از یکصدوپنجاه سال تلاش گفتمان غربی (شامل اروپا و آمریکا) در مطالعات قرآنی دانست - چنین حکمی صادق است، یعنی دیدی است که تهیه این چکیده و تصمیم برای چگونگی بازتاب این چکیده به عهده گروهی مشخص بوده و با مبانی و تصورات و پیش فرض های آنها انجام شده است و این مبانی و تصورات بر خیلی چیزها از انتخاب مدخل ها گرفته تا انتخاب مؤلفان و تعیین سیاست های کلی تأثیر گذار است. در این گروه سروراستار فردی اهل آمریکاست و در هیأت ویراستاری نیز یک کانادایی و یک آمریکایی دیگر حضور دارند، اما مثلاً محقق آلمانی دیده نمی شود. معروف است که سنت اسلام شناسی و خاورشناسی در آلمان و برخی کشورهای اروپایی با سنت آمریکایی متفاوت است. بنابراین، اگر در گروه ویراستاری غلبه با آلمانی ها بود سر و شکل کار به کلی فرق می کرد و انتخاب مدخل ها و مؤلفان و ساختار مقاله ها به صورتی دیگر درمی آمد. ناگفته نماند که رویکرد جامع نگرانه تصمیم گیران مجموعه موجب شده است که مثلاً کسی مانند خانم پروفیسور انگلیکا نیوبرت استاد آلمانی مطالعات عربی و قرآنی دانشگاه برلین نیز در هیأت مشاوران حضور داشته باشد و مدخل های مهمی هم تألیف کند. ایشان که چند سال پیش به ایران آمده بود و سال گذشته برنده جایزه جهانی کتاب سال ایران هم شد از نظر مشرب فکری و سنت پژوهشی در برخی جنبه ها با سروراستار مجموعه چندان همدل نیست و نگاهی متفاوت دارد. با همه این احوال، چنانکه سروراستار هم در مقدمه توضیح داده، می خواهم عرض کنم که پدیدارشناسان این اثر به ویژه در مدخل های بلند و مهم تر این دایره المعارف کوشیده اند تا همه رویکردها و رهیافت های مختلف را در این

در دو سه دهه اخیر
مطالعات قرآنی در غرب
خود به شکل رشته ای
مستقل در آمده و با سرعت
و حجمی فزاینده در حال
انجام و انتشار است.
برخی مؤسسات بزرگ و
شناخته شده انتشاراتی در
اروپا و آمریکا مجموعه ای
را به مطالعات قرآنی
اختصاص داده اند

مطالعات قرآنی از ایالات متحده است که در زمان تدوین این اثر، استاد مطالعات اسلامی در دانشگاه جرج تاون بود. او کتابها و مقالات متعددی را تألیف یا ویرایش کرده، از جمله اینکه گردآورنده و ویراستار کتاب راهنمای قرآن انتشارات کمبریج (۲۰۰۶) و کتابی درباره سنت تفسیری یهودی و مسیحی و اسلامی (۲۰۰۳) بوده است. اما تألیف مهم او قبل از این دایره المعارف کتابی درباره جایگاه مسیحیان در قرآن (۱۹۹۱) بود. در میان گروه ویراستاران ارشد این دایره المعارف نیز شاید اندرو ریپین دست کم در ایران سرشناس تر باشد که چند مقاله ای از او به فارسی ترجمه شده است. در مجموع، گروه ویراستاری شامل محققانی طراز اول و نامدار در عرصه مطالعات قرآنی اند. البته هیأتی هفت نفره نیز گروه مشاوران را تشکیل داده اند که در میان آنها نام هایی چون نصر حامد ابوزید و محمد اراکون - که از قضا هر دو در سال ۲۰۱۰ میلادی درگذشتند - به چشم می خورد که از میان محققان مسلمان نواندیش مقیم غرب انتخاب شده اند.

■ روند تألیف و تدوین آن در غرب به چه نحو بوده است؟ به نظر شما آیا این دایره المعارف غربی تصویری تمام نما از قرآن پژوهی مدرن را در جامعه علمی ما منعکس می کند یا خیر؟ به عبارتی دیگر آیا این اثر از پارادایم های پذیرفته شده علمی در عرصه الهیات پژوهی آکادمی های غربی فراتر رفته است یا اینکه نگاهی مطوف به دانش جدید دایره المعارف نویسی در غرب به قرآن دارد؟

در پاسخ سؤال نخست شما باید بگویم که خوشبختانه سروراستار مجموعه از فرایند تدوین دایره المعارف سخن گفته و نکاتی اساسی مرتبط با پرسش شما را درباره چندوچون و معیارهای کار توضیح داده است. من برای اینکه به دام تکرار نیفتم و وقت خوانندگان را نگیرم علاقه مندانه با خواندن مقدمه خوب و جامع و نسبتاً مفصلی که سروراستار در آغاز جلد نخست اثر نوشته است ارجاع می دهم. اما در پاسخ به سؤال بعدی مایلیم به این نکته اشاره کنم که امروزه به سبب وجود تکثر و تنوع رویکردها و گرایش های مختلف در مطالعه ادیان به طور عام و اسلام شناسی به طور خاص هر گز نباید انتظار داشت که یک دایره المعارف همه انتظارات را برآورده کند و همه سلاقی و علائق را پوشش دهد و به نحوی جامع دربرگیرنده طیف های گوناگون پژوهشی در دین پژوهی یا اسلام پژوهی باشد. به عبارتی، سخن گفتن از تصویری تمام نما از هر موضوعی شاید امروزه به یک آرزو بیشتر شبیه باشد. واقعاً یک روزی دایره المعارف ها همان طور که از نامشان پیداست قرار بوده تصویری جامع از دانش بشر درباره شاخه ای معین از علم را به دست دهند، اما گمان می کنم امروزه چنین تصور و توقعی از یک اثر تا حدی ساده انگارانه باشد. ببینید در همین مطالعات ادیان با تفکیک و دسته بندی شناخته شده و جافتاده ای مواجهیم یعنی رهیافت تاریخی در مقابل

بسیار طولانی و بیش از سه قرن در زمینه انتشار آثار خاورشناسی و به ویژه اسلام شناسی غربیان دارد. از مهم ترین آثار تدوین شده و منتشر شده در این مؤسسه مجموعه بسیار مشهور دایره المعارف اسلام است که ویرایش اول آن در نیمه نخست قرن بیستم و ویرایش دوم آن در نیمه دوم قرن بیستم منتشر شد و ویرایش سوم آن نیز در دست تدوین و انتشار است. دایره المعارف اسلام اثری است که واقعاً می توان آن را دوران ساز خواند، چنانکه ترجمه دو ویرایش نخست آن به مهم ترین زبان های جهان اسلام یعنی عربی، ترکی، اردو و البته فارسی موجب آشنایی محققان مسلمان با مطالعات اسلامی غربیان شد و رونق این حوزه مطالعاتی را در جهان اسلام موجب شد و موجی ایجاد کرد. اینجا جای بحث از این موضوع نیست اما اجازه دهید فقط به این یک نکته اشاره کنم که دایره المعارف های جدی حوزه مطالعات اسلامی که در ایران در حال انتشار است (یعنی دانشنامه جهان اسلام و دایره المعارف بزرگ اسلامی) هر دو به نحوی جدی متأثر و وامدار همین دایره المعارف اند که چندین دهه پیش تر در اروپا تدوین و منتشر شد. دایره المعارف قرآن انتشارات بریل را از این حیث و به این معنا می توان در امتداد سنت دایره المعارف اسلام دانست. با گسترش مطالعات اسلامی پژوهش های این حوزه به سمت جزئی تر شدن رفته و دیگر شاید نگارش دایره المعارف درباره همه رشته های علوم اسلامی دشوار یا حتی ناممکن باشد، بلکه دایره المعارف ها نیز در سال های اخیر به سمت جزئی تر و تخصصی تر شدن رفته اند و در آینده نیز بیشتر از این خواهند رفت. در واقع، دایره المعارف قرآن در حوزه خاص مطالعات قرآنی به نوعی قابل مقایسه با دایره المعارف اسلام در حوزه گسترده مطالعات اسلامی است، چنانکه برخی مؤلفان سرشناس این دایره المعارف دایره المعارف اسلام هم مشارکت داشته اند و نیز ارجاعات متعددی از برخی مدخل های آن به مدخل های مشابه در دایره المعارف اسلام دیده می شود. اما با همه شباهت ها این تفاوت مهم را نیز باید در نظر داشت که فضای اسلام شناسی در غرب نسبت به زمان نگارش ویرایش دوم و به ویژه ویرایش اول دایره المعارف اسلام تغییر کرده، که یکی از دلایل چندگانه آن حضور بسیاری از محققان مسلمان جوان در دانشگاه ها و مؤسسات آکادمیک غربی است. در حالی که قریب به اتفاق مؤلفان دایره المعارف اسلام غربی و غیرمسلمان اند، در دایره المعارف قرآن از محققان مسلمان و برخاسته از جهان اسلام در تألیف مدخل ها استفاده شده است. در میان حدود ۲۸۰ مؤلف این دایره المعارف، گذشته از محققان غربی، نویسندگانی متعلق به جهان عرب، شبه قاره و ایران نیز حضور دارند. اما اگر بخواهم معرفی ای اجملی از مدیران ارشد علمی این دایره المعارف داشته باشم باید بگویم که خانم مکاولیف سروراستار مجموعه از جمله محققان باسابقه و پر تألیف در حوزه

انتقادی به این کاستی‌ها پرداخته‌اند و حق مطلب را ادا کرده‌اند. بی‌شک همه مدخل‌های این دایره‌المعارف در یک سطح نیستند و چه بسا مقاله‌های متوسط و حتی ضعیف هم بتوان در آن سراغ گرفت. اما مجموعاً می‌توان گفت که این دایره‌المعارف مطابق با معیارهای امروزی دایره‌المعارف‌نگاری و در ترازوی بین‌المللی تهیه و تدوین شده است.

گذشته از همه اینها، در بیان دلایل لزوم ترجمه چنین دایره‌المعارفی به زبان فارسی مایلیم به نکته‌ای اشاره کنم. فارغ از اینکه آیا این دایره‌المعارف فی‌نفسه ارزش ترجمه را داشته یا نه - که چنانکه عرض کردم بی‌شک از چنین ارزشی برخوردار بوده - باید به نیاز جامعه پژوهشی خودمان دایر بر آشنایی با مطالعات اسلامی غیرمسلمانان و آگاهی از نحوه نگاه آنها به مفاهیم و مضامین قرآنی توجه داشته باشیم. در برخی مدخل‌های این اثر می‌بینیم که در مطالعات قرآنی، به معنای نوین کلمه، چگونگی ریشه‌های گوناگونی چون مردم‌شناسی، باستان‌شناسی، زبان‌شناسی تاریخی، تاریخ اجتماعی، اسطوره‌شناسی، نقد ادبی و نظایر اینها به کار آمده‌اند و چگونگی از نظریه‌ها و دستاوردهای آنها در فهم قرآن و جایگاه قرآن در میان مسلمانان استفاده شده است. ما نیازمندیم چنین واقعیتی را در پایبیم که در سنت غربی مطالعات قرآنی در امتداد سنت مطالعات ادیان قرار می‌گیرد و دین‌شناسی یا دین‌پژوهی در محافل غربی به‌صورت رشته‌ای آکادمیک درآمده و انگیزه‌های سیاسی استعمارگرانه و شرق‌شناسانه و انگیزه‌های رده‌نویسانه و جدلی دیگر جایی در این نوشته‌ها ندارند. ما باید بیاموزیم و ببینیم که سنت پژوهشی مطالعات اسلامی چقدر جدی و تا چه اندازه عمیق است و البته در کنار همه اینها کاستی‌های آن را هم ببینیم. دیدن این واقعیت‌ها و ارزیابی این آثار نیاز به ترجمه این آثار را دوچندان می‌کند. ترجمه این دایره‌المعارف تصویری روشن و تا حد امکان مطابق با واقع از آنچه در مطالعات قرآنی دنیا می‌گذرد در اختیار خوانندگان می‌گذارد. همین یک کلمه پایانی شاید هدف اصلی دست‌اندرکاران ترجمه این اثر بوده باشد.

■ اگر امکان دارد به دشواری‌های مسیر ترجمه دایره‌المعارف نیز اشاراتی داشته باشید. در اینگونه موارد چگونه سعی می‌کردید به متن اصلی وفادار باشید؟ به عبارت دیگر آیا شما به عنوان یکی از ویراستاران فارسی در شرایطی قرار گرفتید که با کمی تساهل نسبت به متن اصلی، ترجمه فارسی را از دیدگاه دیگری انجام دهید؟

بدهی است که نفس انتشار ترجمه دایره‌المعارفی غربی درباره قرآن در عرصه عمومی جامعه ما و مخصوصاً برای مخاطبان ناآشنا و غیرمتخصص کمی سؤال‌برانگیز و تعجب‌برانگیز باشد. من و دیگر دوستان در گروه ویراستاری به این نکته واقف بودیم و در واقع محدودیت‌های انتشار چنین اثری را در

نظر داشتیم. با این حال، تمام اهتمام ما بر این بوده است که این اثر با کمترین حذف و اضافه نسبت به متن اصلی منتشر شود تا اینکه اصل اصل ما یعنی عرضه تصویر واقعی از مطالعات قرآنی در غرب خدشه‌دار نشود. مجموعه حذف‌های ما محدود به عدم درج دو مدخل در جلد نخست بود که آنها را در ابتدای جلد اول معرفی کرده‌ایم. جز این، در هیچ موردی هیچ عبارتی از مدخلی حذف نشده، بلکه حذف آن دو مدخل هم به این دلیل بود که مجبور به حذف بخشی از یک مدخل نشویم. اما درباره اضافه‌ها، صرفاً در برخی موارد که خطایی آشکار در متن دیده می‌شد که با عقاید مسلم مسلمانان در تعارض بود، در پاورقی در قالب جمله‌ای کوتاه به آن توجه داده شده و به‌هیچ وجه قصد پاس‌خگویی و نقد در کار نبوده است. همین‌جا اجازه دهید به این نکته اشاره کنم که ما در ترجمه این اثر قصد نقد و پاس‌خگویی به مدعیان نویسندگان را نداشته‌ایم. بنده اصولاً چنین کاری را امری ساده و سطحی نمی‌دانم و معتقدم در جامعه پژوهشی ما متأسفانه در نقد آرای دین‌شناسانه کمتر به معیارهای علمی و پژوهشی توجه می‌شود و در مواردی حتی به مقدمات اولیه نقد نظیر آشنایی با زبان منبع مورد نقد بی‌اعتنایی می‌شود. گذشته از این بحث که مجالی دیگر می‌طلبید، باید عرض کنم که مفروض ما این بود که مخاطبان این دایره‌المعارف افسرد متخصص و اهل فن خواهند بود و برخی نگرانی‌ها و دغدغه‌ها چندان مطرح نیستند. واقعاً چنین نیست که هر فرد فارسی‌زبان به مجرد مسلمانی و آشنایی اجمالی با قرآن بتواند به‌سادگی به این کتاب مراجعه کند و از مطالب آن بهره‌مند شود. اگر چه ممکن است برخی مدخل‌های مرتبط با مفاهیم قرآنی قابل استفاده برای عموم باشد، بخشی از مدخل‌های آن که با حوزه مطالعات نوین قرآنی مرتبط است صرفاً برای دانشجویان و محققان این رشته یا پژوهشگران علوم انسانی و اجتماعی علاقه‌مند به موضوع قابل استفاده و قابل فهم خواهد بود. به‌عبارتی رویکرد این دایره‌المعارف به‌هیچ‌روی ترویجی و تبلیغی نیست و مخاطب این اثر بنا نیست کتابی دینی بخواند بلکه با کتابی از جنس پژوهشی مواجه خواهد بود. مثلاً در جلد نخست مدخل «عجاز قرآن» به قلم ریچارد مارتین با مدخل «امر به معروف و نهی از منکر» به قلم مایکل کوک درج شده است. سبک و سیاق نوشته‌ای ترویجی درباره چنین موضوعاتی بدون شک با تحقیقی آکادمیک متفاوت است. در مدخل اعجاز نه سخنی از اعجاز عددی است و نه سخنی از اعجاز علمی و نه برخی وجوه دیگر. در عوض، دیدگاه‌های عالمان سرشناس و صاحب‌نام اسلامی در سده‌های نخستین و دوره شکوفایی آثار کلامی مسلمانان نقل شده و از تأثیر و تأثرات نظریه اعجاز قرآن در میان فرقه‌های اسلامی و در مجادلات بین‌الادیانی سخن گفته شده است.

■ آیا نگاه علمی و غربی ویراستاران این اثر

به قرآن کریم به عنوان متنی وحیانی و کتابی مقدس، باعث بروز مشکل و مسأله‌های برای شما از لحاظ نظری و عملی پیش نیاورد؟

نگاه همدلانه حاکم بر کل این اثر فرآیند ترجمه و عرضه آن به زبان فارسی برای مخاطب ایرانی را نیز برای ما بسیار ساده‌تر کرد. ضمن اینکه وقتی مبنا و معیار کار پژوهش، اصل صداقت و شرافت علمی و عدم جانبداری از عقیده و دیدگاهی خاص باشد چندان مشکلی پیش نخواهد آمد. اجازه دهید مثالی بزنم. یکی از مدخل‌های جلد اول این دایره‌المعارف که در نگاه نخست ممکن است به اصطلاح مسأله‌دار به نظر بیاید مدخلی است با عنوان «آیات شیطانی». این تعبیر از یکسو در جامعه ما یادآور کتابی نام‌آشنا و جنجال‌برانگیز است و از دیگر سو عنوانی است که محققان غربی به رویدادی مشهور در تاریخ اسلام یعنی «قصه غرانیق» می‌دهند که آن هم در طول قرن‌ها به اندازه کافی بحث‌انگیز و معرکه‌آرا بوده است. بنابراین انتظار می‌رود که اگر غرضی در میان باشد و قرار باشد تا درباره وحی‌انیت قرآن ایجاد به اصطلاح شبهه شود این مدخل نمونه گویایی باشد. من توصیه می‌کنم علاقه‌مندان به این مدخل مراجعه کنند و محتوا و ساختار و منابع آن را بررسی کنند و خودشان داوری کنند. اما اجازه دهید من هم دیدگاه خود را بگویم. مؤلف مقاله، شهاب‌احمد، مسلمانی پاکستانی و نسبتاً جوان و فارغ‌التحصیل دانشگاه پرینستون است که پیش‌تر تحقیقی در همین زمینه منتشر کرده بود و از قضا به همین دلیل هم تألیف این مقاله را به او سپرده‌اند. او این مدخل را واقع‌نما و از منظر محققانه نوشته و به طرح و تحلیل آرای مهم عالمان مسلمان از مشرب‌های مختلف فکری پرداخته و در پایان هم به نحوی گزارش‌گونه و گذرا به کتاب آیات شیطانی به‌عنوان پدیده‌ای رخ داده در جهان اسلام اشاره کرده است. بالطبع ما نیز در ترجمه مقاله با مشکلی روبه‌رو نبودیم و عین آن را بدون حک و اصلاحی به فارسی برگردانیم.

■ قطعاً لازمه ترجمه این چنین دانشنامه‌هایی استفاده از مشاوران و متخصصان متعددی را می‌طلبیده است. شما و سه همکار دیگر تا به عنوان ویراستاران فارسی دایره‌المعارف قرآن چگونه این مهم را به انجام رسانده‌اید؟

به نکته خوبی اشاره کردید. اتفاقاً اگر به فهرست مدخل‌های همین جلد نخست نگاهی بیندازید متوجه دشواری‌های کار ترجمه این اثر خواهید شد. مثلاً مدخل‌هایی چون «ادبیات آسیای جنوبی و قرآن» یا «ادبیات ترکی و قرآن» که در آنها جابه‌جا عبارات و نام‌هایی به زبان‌های ترکی استانبولی، مالزیایی، اندونزیایی و نظایر اینها وجود دارد، یا در مدخل «ادبیات قرآن» بخش عمده‌ای از مقاله به منابع قرآنی به‌زبان اردو اختصاص دارد. حتماً می‌دانید که یافتن افرادی مسلط به این زبان‌ها و در عین حال آشنا با مطالعات اسلامی در جامعه ما

چندان ساده نیست. شاید تصور نکنید که کار برگردان نام‌های حدود سیصد نفری که مقالات را تألیف کرده‌اند چه انرژی و چه اطلاعاتی بطلبد. این کار در ابتدا ممکن است بسیار ساده به نظر برسد اما اگر بدانید در میان این افراد هم مسلمان هست و هم مسیحی و هم یهودی، هم آمریکایی هست و هم انگلیسی و هم آلمانی و هم فرانسوی و هم اسپانیایی و ایتالیایی، هم پاکستانی هست و هم مالزیایی و هم لبنانی و هم مصری و هم عراقی و هم ایرانی، و اینکه در هر کدام از این زبان‌ها و فرهنگ‌ها قواعد خاص خود در تلفظ نام‌های خاص را دارند، در این صورت گستردگی کار خودنمایی می‌کند. بی‌شک اگر همراهی و همکاری برخی از دوستان و مشاوران نبود این کار به سرانجام نمی‌رسید. جا دارد همین‌جا دوباره از همه این استادان و بزرگواران که نام‌های آنان در مقدمه جلد نخست آمده و به‌نحوی لطفشان شامل حال گروه ویراستاری بوده سپاسگزاری کنم.

■ به عنوان پرسش پایانی بفرمایید که آیا در آینده پروژه‌های دیگری مطوف به این دایره‌المعارف قرآن در انتشارات حکمت پیگیری خواهد شد یا خیر؟ اگر پاسخ مثبت است، مختصری از آن را برای ما شرح دهید.

چنانکه در قسمت‌های پیشین عرض کردم، پژوهش‌های متعددی به اشکال گوناگون در غرب در حال انجام است که به تدریج منتشر می‌شوند و بخشی از آنها در قالب کاغذی و الکترونیکی به دست ما می‌رسد. غیر از این دایره‌المعارف، دو سال پیش به انتشارات حکمت پیشنهاد کردم که مجموعه‌ای مستقل تحت نام «مطالعات قرآن و حدیث» شکل بگیرد. دوست خوبم امیر مازیار که مدیریت علمی انتشارات حکمت را نیز بر عهده دارد مثل همیشه لطف داشت و از این پیشنهاد استقبال کرد. در این مجموعه قرار است آثاری منتشر شوند که با رویکردی آکادمیک و مطابق با معیارهای پژوهشی امروز به مسأله‌ها و دیدگاه‌های جدید در مطالعات قرآن و حدیث می‌پردازند و چشم‌اندازهایی نوین را پیش روی پژوهشگران و علاقه‌مندان رشته‌های علوم انسانی و اجتماعی قرار دهند. نخستین کتاب در این مجموعه رهیافت‌هایی به قرآن نام دارد (شامل سیزده مقاله) که در سال ۱۳۸۹ برای نخستین بار در مجموعه مطالعات اسلامی انتشارات حکمت منتشر شد و چاپ دوم آن در قالب این مجموعه خواهد آمد. دو سه کتاب دیگر نیز از این مجموعه به‌زودی و در ماه‌های آینده منتشر خواهند شد. یکی از آنها کتاب قرآن و زن نوشته آمنه ودود است که کتابی است با گرایش نوآیندشانه درباره تلقی قرآن از زن با خوانشی جدید؛ دومی کتابی است با عنوان شفاهی و مکتوب در نخستین سده‌های اسلامی که مجموعه مقالاتی است از گریگور شولر محقق آلمانی. عنوان کتاب سوم تاریخ‌گذاری حدیث: روش‌ها و نمونه‌هاست که مجموعه مقالاتی از نویسندگان مختلف است ■